

فصلنامه تحقیقات حقوقی تطبیقی ایران و بین الملل (علمی - پژوهشی دانشگاه آزاد اسلامی)

سال دوازدهم، شماره چهل و چهارم، تابستان ۱۳۹۸

صفحات: ۱۹-۱

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۰۱/۱۱؛ تاریخ پذیرش نهایی: ۱۳۹۸/۰۲/۱۷



جواز قتل در فراش؛ تاکید دوباره در قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ در راستای جواز قتل مهدورالدم

محدثه صادقیان لمراسکی،^۱ دکتر کیومرث کلانتری،*^۲ دکتر ایرج گلدوزیان^۳

چکیده

در حقوق موضوعه‌ی ایران مجازات قتل عمدی به تبعیت از دین مبین اسلام قصاص نفس می‌باشد، ولی در مواردی چند حکم قصاص برداشته شده است. علیرغم همه انتقادات انجام شده در قانون جدید مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ در ماده ۳۰۲ قتل در فراش مجدداً تاکید شده است و با اندکی تغییر در ظاهر مواد، در همان راستای ماده ۶۳۰ قانون مجازات اسلامی بخش تعزیرات همچنان به قوت خود باقی هستند، به همین خاطر در این تحقیق سعی شده با مطالعه و تبیین مواد قانونی مذکور به بررسی تاثیر این مواد قانونی و امکان تغییر آنها در راستای حل این معضل بپردازیم. با اینکه قانونگذار در قانون جدید برای اقدام خودسرانه و بدون اجازه دادگاه و نیز اقدام براساس اعتقاد اشتباه مجازات تعزیری قرار داده است، اما از آنجا که در بسیاری از موارد مرتکبین قتل‌های ناموسی به استناد این حکم خود را محق در ارتکاب به این جنایت می‌دانند به نظر می‌رسد که باید از عمومیت حکم فوق کاسته شود و بر میزان مجازات اقدام خودسرانه در این موارد افزوده شود. این پژوهش به بررسی نظر مشهور فقها و نقد آن، پیرامون جواز قتل در فراش؛ تاکید دوباره در قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ در راستای مهدورالدم می‌پردازد.

واژگان کلیدی: قتل در فراش، قانون مجازات اسلامی، مهدورالدم، زنا.

*دانشجوی دکتری حقوق کیفری و جرم‌شناسی، گروه حقوق، واحد گرگان، دانشگاه آزاد اسلامی، گرگان، ایران.

**دانشیار حقوق کیفری و جرم‌شناسی، دانشکده حقوق، دانشگاه مازندران، بابلسر، ایران. گروه حقوق، واحد گرگان، دانشگاه

آزاد اسلامی، گرگان، ایران. (نویسنده مسئول)، kalantar@nit.ac.ir

***استاد حقوق کیفری و جرم‌شناسی، گروه حقوق، واحد گرگان، دانشگاه آزاد اسلامی، گرگان، ایران.

مقدمه

مساله اصلی این مقاله که نگارندگان در صدد کشف و تبیین آن هستند، جواز قتل در فراش؛ تاکید دوباره در قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ در راستای مهدور الدم است که قانونگذار علیرغم همه انتقادات مجدداً آورده است.

شاید بتوان گفت ماده ۶۳۰ کتاب پنجم «تعزیرات» قانون مجازات اسلامی که معروف به قتل در فراش است جنجال برانگیزترین ماده قانونی در رابطه با قتل‌های ناموسی است. قانونگذار در ماده ۶۳۰ بخش تعزیرات نیز، قتل مرد اجنبی را در حال ارتکاب زنا با زن شوهردار و همچنین قتل زن را در صورت تمکین به این عمل از سوی شوهر مجاز دانسته و به او اجازه داده که به قتل یا ضرب و جرح آنان اقدام نماید و طبعاً چون عمل او مجاز بوده، مجازاتی نیز در پی نخواهد داشت. (مهرپور، ۱۳۷۵: ۱۷۳)

این ماده در سال ۱۳۷۵ به ق.م.ا اضافه شد. حکمی مورد اشاره در این ماده قانون مجازات عمومی و براساس ماده ۱۷۹ سابق نیز مورد تصریح قرار گرفته بود. مبنای فلسفی ماده ۶۳۰ را می‌توان یکی از سه نظر زیر دانست، از یک منظر، مبنای تجویز چنین حکمی دفاع مشروع از عرض و ناموس است. از منظر دیگر مبنای آن را دفع منکر و حفظ و صیانت از اخلاق و نظر و امنیت جامعه می‌داند و براساس نظر آخر مبنای این ماده، تحریک و تهییج روحی مرتکب و خروج وی از حالت طبیعی و عدم امکان تصمیم‌گیری صحیح به خاطر مواجه شدن با حالت مذکور می‌باشد. (کاظمی سرکانه، ۱۳۸۹: ۹۶-۹۷)

شرط مجاز بودن این قتل این است که اولاً: مرد، تنها زن خود را در حالی زنا با مرد اجنبی مشاهده کند؛ بنابراین شامل زنان دیگر مانند خواهر، دختر یا مادر نخواهد شد. ثانیاً: باید در حال عمل زنا ببیند، تا قتل مجاز باشد. همچنین باید بتواند وقوع عمل زنا را ثابت کند. ثالثاً: قتل باید در حین مشاهده عمل زنا صورت گیرد؛ رابعاً: برای جواز قتل و معافیت از مجازات فرقی بین زنای محصنه و غیر محصنه نیست؛ خامساً: فرقی نمی‌کند که شوهر به طور ناگهانی و اتفاقی با منظره ارتباط نامشروع زن خود با مرد اجنبی مواجه شود یا با آگاهی و نقشه قبلی باشد. مفاد حکم ماده ۶۳۰ در بسیاری از کتب فقهی دیده می‌شود و بیشتر فقها مطابق این حکم فتوا داده‌اند؛ هر چند بعضی از آن‌ها در مبنای آن بحث و تردید نموده‌اند. (مهرپور، ۱۳۷۵: ۱۷۳-۱۷۴).

اما با بررسی ادله و عبارات فقها در این مورد روشن می‌شود که برای جواز قتل زوجه حتی در صورت علم به مطاوعه هیچ‌گونه دلیل معتبری نداریم و از روایات جواز قتل اجنبی در صورت مشاهده‌ی زنا با همسر هم حکم تکلیفی به معنای «مهدور الدم بودن زانی» قابل استفاده نیست و تنها چیزی که در صورت قبول سند و دلالت روایات قابل طرح است، عدم اجرای قصاص نسبت به قاتلی است که زانی را (مرد اجنبی) در حال زنا با همسر خود مشاهده نموده است و او را به قتل رسانیده است، مشروط بر اینکه چهار شاهد عادل به دادگاه معرفی کند و یا ولی دم او را تصدیق نماید. این نوشتار بر آن است جواز قتل در فراش؛ تاکید دوباره در قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ در راستای مهدور الدم که قانونگذار مجدداً مورد توجه قرار داده است، مورد بحث و بررسی و تحلیل و انتقاد قرار دهد.

پژوهش حاضر، کتابخانه‌ای و به شیوه‌ی تحلیل محتوی انجام گرفته، بدین صورت که بر اساس مستندات فقهی و روایی مورد بررسی قرار گرفته است تا دلیل وضع این ماده و ایرادات آن مورد بحث و بررسی قرار گیرد.

۱- تاریخچه و واژه‌شناسی موضوع

موضوع جواز ارتکاب قتل زانی و زانیه توسط همسر زانیه از موضوعاتی است که در قدیمی‌ترین تمدن‌ها نیز وجود داشته است. از نظر آشوری‌ها، قتل زن در حال زنا توسط شوهر به دلیل خیانت وی، حق مسلم مرد به شمار می‌رفت. در امپراطوری ژاپن اگر شوهری، همسر خود را در حال خیانت و ارتکاب زنا با مردی بیگانه مشاهده می‌کرد، می‌توانست هر دوی آن‌ها را بی‌درنگ بکشد. در یونان باستان و در قرن پنجم، قصاص مستقیم در شرایط خاص مجاز بود و به همین دلیل اگر مردی مشاهده می‌کرد که بین زن یا مرد یا رفیقه یا همسر یا دخترش با مرد بیگانه رابطه نامشروع برقرار است، قتل آن‌ها بر وی مجاز بود. در حقوق رم باستان علاوه بر شوهر به پدر نیز چنین حقی داده شده بود که اگر همسر یا دختر خود را در حالتی که با مرد بیگانه‌ای رابطه نامشروع برقرار کرده است، ببیند، اقدام به کشتن آن‌ها کند. (حیب زاده، ۱۳۸۰: ۹۳).

در ایران، نخستین متن قانونی در موضوع مورد بحث ماده‌ی ۱۷۹ قانون مجازات عمومی مصوب سال ۱۳۰۴ است. به موجب این ماده شوهری را که زن خود را با مرد اجنبی در یک فراش یا در حالی که به منزله‌ی وجود در یک فراش است مشاهده کرده و

۴. تحقیقات حقوقی تطبیقی ایران و بین‌الملل، سال دوازدهم، شماره چهل و چهارم، تابستان ۱۳۹۸

مرتکب قتل یا جرح یا ضرب یکی از آنها یا هر دو می‌شد از مجازات معاف می‌دانست، و در صورتی که مردی دختر یا خواهر خود را با مرد اجنبی می‌دید و مرتکب قتل یا جرح یا ضرب می‌شد، تخفیف قابل توجهی را برای وی در نظر گرفته بود. این ماده از ماده‌ی ۳۲۴ قانون جزای فرانسه مصوب سال ۱۸۱۰، که مردی را که زن خود را در خانه‌ی مشترک زوجیت در حال زنا با مردی دیده و مرتکب قتل آنها می‌شد از معافیت قانونی بهره‌مند می‌کرد، اقتباس شده بود. این حکم در فرانسه در سال ۱۹۷۵ لغو شد و در قانون جزای جدید فرانسه مصوب سال ۱۹۹۴، اثری از آن مشاهده نمی‌شود. (میر محمد صادقی، ۱۳۹۲: ۳۳۴).

پس از پیروزی انقلاب اسلامی مفاد این ماده در قانون مجازات اسلامی مصوب سال ۱۳۶۲ و قانون حدود و قصاص مصوب ۱۳۷۰ ذکر نشد. ولی در ماده ۶۳۰ «قانون تعزیرات» مصوب سال ۱۳۷۵ و همچنین بند «ث» و ماده‌ی ۳۰۲ قانون جدید مجازات اسلامی مصوب سال ۱۳۹۲ مجدداً آورده شده است.

به همین منظور برای بازشناسی وضع این ماده در این پژوهش و ارتباط آن با ماده ۶۳۰ قانون مجازات اسلامی بخش تعزیرات، به شناخت مفاهیم کلمات وضع این ماده می‌پردازیم.

۲- بررسی واژه زنا

الزَّناءُ: وطء المرأة من غیر عقد شرعی؛ زنا: «مقاربت با زن بدون عقد (به طور نامشروع) مصدر آن زنی و زناء مد و قصر هر دو آمده است. (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ۳۸۴؛ قرشی، ۱۴۱۲: ۱۸۲).

و در اصطلاح زنا، عبارت است از این که شخص بالغ و عاقلی آلت تناسلی خویش را در فرج (قبلاً یا دبراً) زنی (یا هر مونثی) به اندازه حشفه داخل کند؛ در حالی که آن زن برای او حرام بوده و بدون اینکه عقدی خوانده شده و یا در ملک وی باشد؛ همچنین وطی به شبهه نیز نبوده، و عالم به حرمت و مختار در انجام فعل باشد. (شهید ثانی، ۱۴۱۰: ۱۴).

۳- بررسی واژه قتل

راغب در مفردات واژه «قتل» را چنین معنا نموده است: أصل القتل: إزالة الروح عن الجسد كالموت، لكن إذا اعتبر بفعل المتوكل لذلك يقال: قتل، و إذا اعتبر بفوت الحياة يقال: موت. یعنی: قتل: کشتن. اصل قتل ازاله روح است از بدن مثل مرگ لیکن چون بکشنده اطلاق شود قتل گویند و به اعتبار از بین رفتن حیات، موت نامند. (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ه: ۶۵۵؛ قرشی، ۱۴۱۲ه: ۲۳۱/۵)

با مراجعه به کتب مختلف فقهی خواهید یافت که واژه «قتل» تعریفی صورت نگرفته است؛ ولی با این حال با مراجعه به کتب اصطلاحات فقهی، تعریفی که در آنجا ذکر شده بود، بیان می‌شود. القتل: إزهاق النفس: یعنی از بین بردن جان فرد است. (شهید صدر، ۱۴۲۰ه: ۵۱۲/۸)

بطور کلی قتل انسانی توسط انسان دیگر به یکی از سه صورت ذیل متصور است:

- ۱- قتل عمدی ۲- شبیه عمد و شبه خطا ۳- قتل خطایی. اما قتل عمدی محض به عقیده علامه به یکی از دو صورت تحقق می‌یابد که مانعه الخلو هستند: ۱- قصد القتل و لو آلت قتاله نباشد غالباً. ۲- قتاله بودن آلت و لو قصد قتل نداشته باشد. پس قتل عمدی چهار صورت پیدا می‌کند: ۱- هم قصد قتل کند و هم آلت قتاله باشد. ۲- قصد قتل کند ولی آلت بحسب نوع قتاله نباشد. ۳- قصد قتل ندارد ولی آلت قتاله است. ۴- نه قصد قتل دارد و نه آلت قتاله است ولی اتفاقاً سبب قتل شده سه قسم اول قتل عمد محض نامیده می‌شود. (خراسانی، بی‌تا: ۴۲۷)

۴- بررسی واژه قصاص

واژه قصاص دو حالت ممکن است داشته باشد؛ بنابراین که (قصاص) اسم مصدر برای «قص، یقص» باشد، به معنای متابعت می‌باشد. ولی اظهر این است که مصدر باب مفاعله باشد؛ یعنی گفته می‌شود: قاصه، مقاصه، و قصاصاً: زمانی که به وسیله او قصاص ایجاد شود؛ یعنی جانی را به مجازات برساند و با وی مانند آنچه را که مرتکب شده است، انجام دهد. (مشکینی، بی‌تا: ۴۲۷؛ شهید ثانی، ۱۴۱۰ه: ۱۱/۱۰)

و در اصطلاح فقهی قصاص عبارتست از: القصاص: و هو عقوبه الجرمه بمثلها فی النفس و الجروح. یعنی: قصاص، همان عقوبت و جریمه‌ای مانند جنایتی است که

۶. تحقیقات حقوقی تطبیقی ایران و بین‌الملل، سال دوازدهم، شماره چهل و چهارم، تابستان ۱۳۹۸
جانی شبیه آن را در جان فرد، و جراحات بدنی فرد انجام داده است. (شهید
صدر، ۱۴۲۰هـ: ۸/۵۱۴)

۵- قتل زانی و زانیه توسط شوهر زانیه از دیدگاه فقه

در این قسمت به بررسی دیدگاه فقهای اهل سنت و فقهای شیعه و ادله‌ی آنها
می‌پردازیم:

الف- دیدگاه اهل سنت

در کتاب الفقه علی‌المذاهب الاربعه در این خصوص آمده است: «جمهور اهل
سنت در مسأله‌ی قتل زوجه و اجنبی معتقدند قتل زانی جایز نیست. (جزیری، ۱۴۰۶هـ:
۶۵) و به حدیثی استناد می‌کنند که سعد بن عباده از حضرت رسول (صلی الله علیه و
اله وسلم) سؤال کرد: «ای رسول خدا! اگر با همسر مردی را دیدم آیا مهلت بدهم تا
علیه او با چهار شاهد اقامه شهادت کنم؟ حضرت فرمود: بلی.» (همان)
موضوع دیگری که در میان اهل سنت مورد اتفاق است این است که چنانچه کسی
زانی غیر محصن را در حال زنا به قتل برساند، مجازات نمی‌شود و دلیل ایشان قضاوت
عمر در موردی است که مردی با شمشیر خون آلود نزد او آمد و به دنبال او جمعیتی
دیگر آمدند و گفتند: این مرد دوست ما را در کنار همسرش کشته است. آن مرد به عمر
گفت: با شمشیر میان دو پای همسرم زدم اگر در آن محل کسی بوده او را کشته‌ام. عمر
رو به مرد کرد و گفت: اگر دوباره آمدند همین کار را تکرار کن. و خون مقتول را هدر
اعلام کرد. (عوده، ۱۹۹۳: ۵۴۰)

عبدالقادر عوده، علت اباحه قتل را در این صورت به نقل از علمای اهل سنت دو
امر می‌داند: تحریک، قایلین به تحریک در اینکه مزنی بها از خویشان مرد باشد یا اجنبی
باشد تفاوت قایل شده و فقط در صورت اول قتل را جایز می‌دانند. نهی از منکر، که در
این صورت بر همه اشخاص واجب است و تفاوتی میان زانی با اهل یا اجنبی نیست. و
رأی مشهور در مذاهب سه گانه اهل سنت (غیر از شافعی) همین است. اما مذهب
شافعی این است که قتل غیر محصن در حال تلبس به زنا را جایز نمی‌دانند، مگر در
صورتی که بازداشتن از ارتکاب جرم به غیر طریق قتل ممکن نباشد و تحریک را مجوز
قتل ندانسته و دفع منکر را مجوز قتل نمی‌دانند مگر اینکه قتل تنها راه دفع منکر باشد.
(همان، ۵۴۰-۵۴۲)

جواز قتل در فراش؛ تاکید دوباره در قانون مجازات اسلامی ۷

نتیجه اینکه اهل سنت در خصوص جواز قتل زوجه و اجنبی در حال زنا نظر مستند و مستدلی ندارند. تحریک و یا نهی از منکر از نظر قواعد و اصول مجوز قتل نبوده و شرایط و مقررات خاص خود را دارد، بنابراین در کلمات فقهای اهل سنت زانی اجنبی و زوجه در صورت مشاهده در حال زنا، از مصادیق مهدور الدم نیستند و جواز قتل تلبس به زنا، به صورت کلی در کلمات اهل سنت از باب تحریک (در خصوص زنا) با خویشاوندان) و یا نهی از منکر (نسبت به همه افراد) مطرح است.

ب- دیدگاه فقهای شیعه

قول مشهور فقهای شیعه این است که چنانچه کسی همسر خویش را در حال زنا با اجنبی مشاهده کند و علم به مطاوعه و رضایت زن داشته باشد، مجاز به قتل زوجه و زانی اجنبی است، (محقق حلی، ۱۴۰۱: ۱۴۵؛ علامه حلی، ۱۴۱۰: ۱۴۷؛ شهید ثانی، ۱۴۱۳: ۳۹۸؛ گیلانی، ۱۴۲۷: ۹۶). لکن بعضی از فقها از جمله شیخ طوسی و ابن ادریس علاوه بر قید رضایت و مطاوعه زن، احصان زن و مرد زانی را هم لازم دانسته آمد. (نجفی، ۱۹۸۱: ۳۶۸)

اما بعضی از فقهای معاصر قول مشهور را نپذیرفته و ادله‌ی آن را رد کرده‌اند. از جمله محقق خوئی در مبانی تکلمه المنهاج در این رابطه می‌نویسد: «قول مشهور این است که چنانچه کسی مشاهده کند شخصی با زوجه اش زنا می‌کند و زن هم با او همکاری دارد، می‌تواند هر دو را بکشد و این قول مشهور خالی از اشکال نیست بلکه قابل منع است. (خوئی، بی‌تا: ۸۴) ایشان در رد ادله‌ی مشهور، احادیث منقول در این باب را به این شرح نقل می‌کند: روایت سعید بن مسیب که طبق آن معاویه نامه‌ای به ابو موسی اشعری نوشته که «ابن ابی الجسرین» مردی را با زنش دیده و او را کشته است. در این خصوص برای من از حضرت علی (علیه السلام) سؤال کن. ابو موسی می‌گوید: با حضرت علی (علیه السلام) ملاقات کردم و از حضرت سؤال کردم. حضرت فرمود: «حکم من این است که اگر چهار شاهد برای آنچه دیده است آورد، کاری ندارم و الا قاتل را می‌کشم.» (حر عاملی، ۱۴۰۹: ۱۶۹/۶۹)

۶- ماهیت قتل در فراش

بحث مهمی که در این تحقیق مطرح است و جای بحث دارد، ماهیت قتل انجام گرفته توسط شوهر است:

۸. تحقیقات حقوقی تطبیقی ایران و بین‌الملل، سال دوازدهم، شماره چهل و چهارم، تابستان ۱۳۹۸

الف- قتل از باب حد زنا

برخی از فقها، حق شوهر بر قتل زانی یا زوجه را از باب اجرای حد زنا دانسته‌اند. یعنی شوهر را در عرض حاکم شرع و مولی، دارای حق اجرای حد زنا دانسته‌اند. (اصفهانی، ۱۴۰۶، ۴۷۶/۱۰)

فقها برای جواز قتل توسط شوهر از باب اجرای حد زنا، شرایطی ذکر نموده‌اند: نخست، اثبات رابطه زوجیت؛ بنابراین اگر پدر یا برادر، زن را در حال زنا ببینند، حق کشتن وی را ندارند. دوم، زن و زانی با رضایت، مرتکب زنا شده باشند؛ پس اگر به اکراه، تهدید یا اضطراب باشد، کشتن ایشان جایز نیست و در صورت قتل، شوهر قصاص می‌شود. سوم، مشاهده صحنه زنا توسط خود شوهر به صورت مستقیم؛ پس اگر کسی برای شوهر بیان کند که همسر وی مرتکب زنا شده است مجوز قتل برای شوهر نیست. چهارم، ارتکاب رابطه جنسی در حد زنا؛ لذا اگر شوهر ببیند همسرش ارتباطی با مردی دارد ولی در حد زنا نباشد، حق قتل ندارد. پنجم، نباید خود شوهر زمینه رابطه جنسی نامشروع را فراهم کرده باشد؛ لذا اگر مردی از قبل اطلاع داشته، و یا بر اثر فساد اخلاقی، امکان رابطه جنسی را برای زن یا مردی مثلاً دوست خود فراهم کرده باشد حق قتل ندارد. ششم، وجود شرایط عامه تکلیف در زانی و زوجه؛ هر دو باید بالغ، عاقل و مطلع باشند. (محمدی، ۱۳۸۹، ش ۴۴-۵۷) هفتم، لزوم اثبات ادعای شوهر در دادگاه؛ شوهر باید بتواند ادعای خود درباره زناکار بودن مقتول و وجود شرایط بالا را در دادگاه با شهادت چهار شاهد بر زنا، اقرار اولیاء دم بر زنا (تا دیگر حق مطالبه قصاص نداشته باشند) اثبات کند، وگرنه قصاص می‌شود؛ اگرچه در صورتی که راست گفته باشد در آخرت و نزد خداوند گناهی بر شوهر نیست ولی دادگاه، موظف است شوهر را در صورتی که نتواند ادعای خود را ثابت کند، قصاص نماید. (عباس‌زاده، ۱۳۷۸، ش ۳۰۲)

بر این نظریه، چند انتقاد جدی مطرح است: نخست: به استناد ادله نقلی و اتفاق فقها، فقط در سه مورد مجازات زنا قتل است: زنا با محارم، زنا با زن مسلمان، زنا با زانی به عنف، و در سایر موارد، حد زنا، رجم و جلد است نه قتل؛ پس چگونه می‌توان اقدام شوهر به قتل را اجرای حد زنا دانست؟ (عاملی «شهید ثانی»، ۱۴۱۲، ۳۵۲/۲) دوم: مشهور فقها به طور مطلق، به شوهر اجازه قتل داده‌اند بدون اشتراط احصان (حلی، ۱۴۱۰، ۱۷/۲) در حالی که، مجازات زنا فرد غیرمحصن اگر با شهادت چهار شاهد در دادگاه ثابت شود شلاق است، حال چگونه به شوهر حق می‌دهیم آن فرد را به قتل

جواز قتل در فراش؛ تاکید دوباره در قانون مجازات اسلامی ۹

برسانند؟! سوم: با بررسی تمام ادله و اقوال فقها می بینیم که علاوه بر بینه و اقرار، فقط علم را برای قاضی دلیل اثبات دانسته اند نه غیر او، به ویژه که برخی از فقها، علم قاضی را در اثبات جرائم حق الهی محض مخصوصاً امور منافی عفت، حجت ندانسته اند. هدف از قضاوت و قوانین کیفری، حفظ نظم و امنیت جامعه و تأمین منافع جامعه است و قاضی نیز وظیفه تأمین این اهداف را دارد؛ لذا فقط در حیطة حقوق الناس است که می تواند به علم خود استناد نماید، چرا که حقوق الله، اموری فردی است و اصل در آن بر کتمان است. (طوسی، ۱۴۰۸، ۲۱۸؛ طوسی «شیخ طائفه»، بی تا، ۷۱۱؛ حلبی، ۱۴۰۳، ۴۲۸-۴۳۲)

ب- جواز قتل زانی از باب دفاع و مهدور الدم بودن

به نظر می رسد صحیح آن است که روایاتی که حکم به جواز قتل زانی داده اند از باب جواز قتل فرد متجاوزی که وارد حریم خصوصی فرد دیگر شده و به جان یا ناموس وی تعرض نموده یا قصد جدی بر تعرض دارد بوده است. بر این اساس اشاره به لزوم وجود چهار شاهد در روایات نیز از باب بیان دلیل اثبات در خصوص مصداق اهم یعنی زنا است که شدت فساد و فوریت دفع آن در بسیاری از موارد مقتضی قتل متجاوز می باشد ولی در سایر مصداق تجاوز ممکن است به غیر قتل نیز دفع تجاوز نمود.

در این زمینه چهار نکته مهم را باید متذکر شد: نخست؛ اگر جواز قتل را از باب دفاع مشروع بدانیم نباید از رعایت مراتب دفاع غافل شد لذا اگر پیش از اقدام فیزیکی توسط شوهر، تجاوز یا خطر آن دفع شود قتل جایز نخواهد بود ولی اگر شوهر زمانی اقدام نماید که هنوز تجاوز یا رابطه جنسی ادامه دارد برای دفع فوری آن، قتل وی منعی ندارد. دوم؛ به هر حال لزوم ضرورت قتل در دفع تجاوز در زنا و غیر زنا باید رعایت شود پس تا ضرورت اقتضاء نکند و مثلاً با فریاد یا ضرب و جرح بتوان دفع تجاوز نمود، قطعاً نوبت به قتل نمی رسد. سوم؛ براساس دفاع بودن اقدام شوهر، پس قتل زوجه جایز نیست. چهارم؛ وفق توضیحات قبلی آشکار می گردد که نیازی به تحقق رابطه زنا نیست پس اگر تجاوز در کمتر از آن حد نیز باشد حق دفاع برای شوهر محفوظ است و حتی احصان نیز دیگر لازم نخواهد بود. بلکه دیگر فرقی بین اکراه یا رضایت زوجه هم نیست حتی اگر زوجه راضی به رابطه نامشروع بوده نیز حق دفاع از عرض برای شوهر به قوت خود باقی می ماند.

۱۰. تحقیقات حقوقی تطبیقی ایران و بین‌الملل، سال دوازدهم، شماره چهل و چهارم، تابستان ۱۳۹۸

۷- احکام قتل در فراش پیرامون ماده ۳۰۲ ق.م.ا.جدید

ماده ۳۰۲ مقرر می‌دارد: در صورتی که مجنی علیه دارای یکی از حالات زیر باشد، مرتکب به قصاص و پرداخت دیه، محکوم نمی‌شود: در بند «ث» این ماده آمده است «زانی و زانیه در حال زنا نسبت به شوهر زانیه در غیر موارد اکراه و اضطرار به شرحی که در قانون مقرر است».

از نکات اساسی که در بند «ث» ماده ۳۰۲ قانون مجازات اسلامی به چشم می‌خورد این است که مرد فقط زانیان را در حال زنا می‌تواند به قتل برساند و به تعبیر دیگر شوهر برای اینکه بتواند از معافیت مندرج در ماده ۳۰۲ قانون مجازات اسلامی بهره‌مند گردد بایستی به محض مشاهده همسر زانیه و مرد اجنبی در حال زنا، آنان را به قتل برساند. بنابراین اگر مردی زن خویش را در حال زنا با مرد اجنبی مشاهده کند ولی بنا به دلایلی نخواهد آنان را در همان حال به قتل برساند، ولی بعداً به قتل زانیان اقدام نماید نمی‌تواند از معافیت در ماده ۳۰۲ قانون مزبور بهره‌مند گردد، زیرا عبارت قانونگذار «در همان حال آنان را به قتل برساند» به این معنی است که قتل در هنگام مشاهده واقعه زنا برای مرد مباح است نه بعد از آن.

لازم به ذکر است که شوهری که مرد اجنبی و همسر زانیه را در حال زنا مشاهده می‌نماید و مرتکب قتل یکی یا هر دو از آنها می‌شود ملزم نیست که مقررات دفاع را رعایت نماید، زیرا که قانونگذار با اجتماع کلیه شرایط مندرج در ماده ۳۰۲ قانون مجازات اسلامی قتل زانی و زانیه را برای شوهر تجویز کرده است. در مواردی که شوهر در موقعیت مزبور مرتکب قتل می‌شود ملزم به پرداخت دیه از بابت قتل ارتكابی نیز نمی‌باشد زیرا خون زانیان فاقد حرمت شرعی و قانونی بوده است.

قانونگذار در ماده ۳۰۲ قانون مجازات اسلامی قتل مرد اجنبی در حال ارتكاب زنا با زن شوهر دار و همچنین قتل زن در صورت تمکین به این عمل را توسط شوهر مجاز دانسته است. مجاز بودن ارتكاب قتل در این مورد توسط شوهر مشروط به اجتماع شرایطی است که مرحله ثبوتی واقعه است. شرایط مذکور به شرح زیر است:

نخست: وجود علقه زوجیت

مقنن حکم این ماده را ناظر به موردی دانسته است که شخص شاهد ارتكاب زنا توسط همسر خود باشد، بنابراین اگر مردی شاهد زنا ی زن دیگری ولو خواهر، دختر یا مادر خود با مرد اجنبی باشد، مجاز به ارتكاب قتل و حتی ضرب و جرح نیست و در

صورت ارتکاب قتل یا ضرب و جرح، حسب مورد مجازات خواهد شد؛ در حالی که ماده ۱۷۹ قانون مجازات اسلامی سابق، در مورد پدر و برادری که دختر یا خواهر خود را با مرد اجنبی در یک فراش مشاهده می‌کرد و مرتکب قتل آنها می‌شد معافیت نسبی از مجازات قائل بود که در حال حاضر این معافیت منتفی است. احراز وجود رابطه زوجیت با توجه به مقررات مندرج در کتاب هفتم قانون مدنی صوت می‌گیرد که در آن مورد با توجه به اطلاق کلام، منظور از نکاح، نکاح دائم و منقطع است. اگر چه بعضی از حقوقدانان این حکم را فقط ناظر به عقد دائم می‌دانند. (حائری شاهیباغ، ۱۳۵۳ ش: ۹۰) اما در اقوال و گفتار فقها تفاوتی بین دائم یا موقت بودن نکاح وجود ندارد. (نجفی، بی تا: ۳۶۸) حتی به نظر بعضی از حقوقدانان، طلاق رجعی رابطه زوجیت را قطع نمی‌کند و لذا اگر شوهر در مدت عده طلاق رجعی وضعیت مذکور را مشاهده کند و مرتکب قتل شود از معافیت مذکور استفاده می‌کند. (نجیب حسینی، ۱۹۹۲: ۳۹۴-۳۹۵)

دوم: مشاهده زن و مرد اجنبی در حال زنا توسط شوهر

تأکید ماده ۳۰۲ قانون مجازات اسلامی بر مشاهده زن و مرد اجنبی در حال زنا توسط شوهر، دادگاه را مکلف به بررسی این ادعا می‌کند؛ یعنی باید آن‌ها در حال عمل زنا بوده باشند تا قتل انجام شده توسط شوهر مجاز شمرده شود. لذا دیدن فیلم و عکس از واقعه مورد بحث مجوز مشروعیت قتل نیست و رؤیت فیزیکی همسر ملاک است، نه دیگران. فقها نیز بر شرط اینکه مرد باید همسر خود را در حال زنا با اجنبی مشاهده کند اتفاق نظر دارند. (خویی، بی تا: ۸۴/۲ و ۸۸) اما باید توجه داشت برای اینکه دادگاه اقدام قاتل را مباح بداند و بتواند شوهر را از مجازات معاف دارد، او باید بتواند وقوع عمل زنا را اثبات کند. لذا اگر انجام یافتن عمل زنا قطعی نباشد و براساس شبهه مرد باشد، ارتکاب قتل جایز نیست. اگر زن و مرد اجنبی دارای پوشش متعارف بوده، مشغول انجام اعمال دیگری غیر از زنا مانند مضاجعه و تقبیل و امثالهم باشند به دلیل عدم تحقق شرط (در حال زنا بودن) قتل آن‌ها مجاز نیست و مرتکب از مجازات معاف نخواهد بود و قصاص می‌شود.

در تعریف زنا دادگاه باید به ماده ۲۲۱: «زنا عبارت است از جماع مرد و زنی که علقه زوجیت بین آن‌ها نبوده و از موارد وطی به شبهه نیز نباشد» توجه داشته باشد. (گلدوزیان، ۱۳۹۳: ۲۴۲) برای تحقق زنا و اثبات آن براساس ادله شرعی که مقنن نیز در

۱۲. تحقیقات حقوقی تطبیقی ایران و بین‌الملل، سال دوازدهم، شماره چهل و چهارم، تابستان ۱۳۹۸

قانون مجازات اسلامی به آن توجه کرده، شرایطی لازم است که در عمل اثبات آن تعلیق به محال یا لااقل بعید است و به این لحاظ در بسیاری از موارد احراز شرایط تحقق ماده ۳۰۲ قانون مجازات اسلامی مشکل است.

سوم: ارتکاب قتل در حین مشاهده عمل زنا

به موجب ماده مذکور شوهر صرفاً بلافاصله بعد از مشاهده صحنه جرم ارتكابی، حق کشتن دارد و چنانچه فی‌المجلس اقدام نکند، بعد از جدا شدن زن و مرد اجنبی از همچنین مجوزی برای او نیست. مفهوم این ماده دلالت بر این امر دارد که فقط زمانی مرد از قصاص معاف است که بلافاصله بعد از دیدن عمل زنا توسط همسر خود با مرد اجنبی، اقدام به قتل کند و چنانچه بعد از اتمام عمل و خارج از وقت و محلی که عمل مزبور در حال انجام است مرتکب قتل شود، چنین قتلی جنبه انتقام دارد و مقنن ارتکاب چنین قتلی را ممنوع می‌داند؛ اگر چه ممکن است که بتوان چنین موردی را از مصادیق مه‌دور الدم بودن زن و مرد اجنبی دانست که البته اثبات آن هم محتاج دلیل است و قاتل باید استحقاق قتل آن دو را بر اساس موازین شرعی و قانونی در دادگاه ثابت کند. (زکی ابوعامر، بی‌تا: ۱۵)

چهارم: علم به تمکین

برای مجاز بودن مرد در قتل همسر خود علاوه بر شرایط بالا، او باید عالم به تمکین و رضایت زن به عمل زنا توسط مرد اجنبی باشد. این شرط ناشی از آن است که در مباحث فقهی زنا، فقها وجود قصد و اراده را در مرد مفروض می‌دانند، لکن در مورد زن به احتمال وجود اکراه از طرف مرد نسبت به زن قائلند و لذا در این فرض نیز قائل به لزوم یقین شوهر به تمکین همسر خود برای مجاز بودن قتل او شده‌اند. احراز این شرط در عالم اثبات دشوار است و برای جلوگیری از معاف بودن قتل‌هایی که به صرف ظن و گمان واقع می‌شوند از مجازات بسیار مهم است. در صورت یقین شوهر به مکره بودن زن خود، شوهر فقط حق کشتن مرد بیگانه را دارد.

۸- آرای فقهاء

با بررسی کتابهای فقهی امامیه روشن می‌شود که موضوع جواز قتل زن و مرد اجنبی در حال ارتکاب زنا توسط شوهر، برای اولین بار در کتاب شیخ طوسی مطرح شده است. پس از شیخ طوسی، محقق حلی در کتاب نکت النهایه ضمن بحث درباره

موضوع به طور قاطع و به صورت مطلق این گونه حکم را بیان کرده است: (منتظری، بی تا: ۱/ ۱۳۴) در کتاب شرایع الاسلام و در مسائل ملحق به احکام زنا نیز این حکم بیان شده و بعد از آن بسیاری از فقها همین حکم را بیان کرده‌اند. نهایت آنکه، شهید اول در کتاب دروس خود به ذکر روایت مرسله‌ای که صریحاً جواز قتل را می‌رساند پرداخته است و این روایت پس از او مورد استناد بسیاری از فقها قرار گرفته است. از میان فقهای متأخر، صاحب جواهر در کتاب حدود به بیان این موضوع پرداخته است. ایشان پس از ذکر عقاید مختلف فقها می‌گوید که ممکن است تجویز قتل در بیان حکم واقعی امر باشد، اگر چه گناهی بین او و خدای او نباشد؛ ولی از نظر ظاهر، قصاص بر قاتل (شوهر) ثابت است، مگر آنکه وی بین‌های بر ادعای خود اقامه کند یا ولی دم او را تصدیق کند. (شهید ثانی، جواهر الکلام، بی تا: ۹/ ۱۲۰) مرحوم آیه الله خویی در بررسی مستندات مذکور، برخی از روایات را از لحاظ سند مخدوش و برخی دیگر را ناظر به مورد دفاع می‌داند و نتیجه می‌گیرد که هیچیک از روایات باب دفاع بر نظر مشهور دلالت ندارد. ایشان در مسأله ۸۹ کتاب خود، قول مشهور را خالی از اشکال ندانسته بلکه موضوع می‌داند و از دادن فتوی به جواز قتل خودداری می‌کند. (خویی، بی تا: ۲/ ۸۴ و ۸۸) فقهای دیگر نیز مستندات و روایات مربوط به جواز قتل را قویاً رد کرده، از دادن فتوا به جواز قتل خودداری کرده‌اند. (منتظری، بی تا: ۱/ ۱۳۴)

به هر حال می‌توان گفت علت وضع حکم ماده ۳۰۲ قانون مجازات اسلامی قول مشهور فقهاست که به تبع شیخ طوسی و محقق حلی بدین طریق فتوی داده‌اند. با نگاهی به مسأله ۲۸ کتاب دفاع از تحریرالوسیله امام خمینی (ره) و مقایسه آن با متن ماده ۳۰۲ قانون مذکور در می‌یابیم که عبارت قانون، ترجمه عبارت مذکور است که ایشان صریحاً چنین قتلی را تجویز کرده‌اند؛ هر چند که معتقدند چنین اجازه‌ای بنا بر واقع و نفس الامر است؛ اما در ظاهر قاضی براساس موازین شرعی قضاوت می‌کند و چنانچه شوهر بین‌های در تأیید گفتارش اقامه نکند به قصاص محکوم می‌شود. (روح الله خمینی، بی تا: ۲/ ۴۹۱-۴۹۲)

از مجموع نظریات فقهای اهل سنت نیز اینگونه برداشت می‌شود که نظر اکثر ایشان بر این است که اگر شوهر، مردی را در حال زنا با همسر خود ببیند و او را به قتل برساند و زنا محصنه وی را اثبات کند، قصاص نخواهد شد و برخی دیگر احصان را شرط ندانسته‌اند و در صورت اثبات موضوع، شوهر را از قصاص معاف می‌دانند. البته

۱۴. تحقیقات حقوقی تطبیقی ایران و بین‌الملل، سال دوازدهم، شماره چهل و چهارم، تابستان ۱۳۹۸
در عدد شهود لازم برای اثبات موضوع اختلاف نظر وجود دارد. (المغنی: ج ۷/ جزء ۷/ ۶۴۹)

۹- قتل زانی و زانیه توسط شوهر زانیه از دیدگاه حقوق موضوعه با محوریت

نقد

قانونگذار ایران علی‌رغم طرح موضوع در قانون مجازات عمومی قبل از انقلاب و فتوای صریح حضرت امام خمینی قدس سره مبنی بر جواز قتل زانی و زوجه از ناحیه زوج در صورت مشاهده در حال زنا (موسوی خمینی، ۱۴۰۴: ۸۳)، در قانون مجازات اسلامی سال ۱۳۶۱ ذکری از جواز قتل در فراش به میان نیاورد اما در عمل با توجه به فتوای حضرت امام و با رعایت اصل ۱۶۷ قانون اساسی، قضات در اینگونه قتل‌ها فتوای حضرت امام را ملاک عمل قرار می‌دادند و در استدلالی که از اداره حقوقی قوه قضاییه شده است ضمن اعلام منسوخ بودن ماده ۱۷۹ قانون مجازات عمومی سابق می‌گویند: طبق موازین شرعی و فتوای حضرت امام رحمه الله اگر کسی ببیند مرد اجنبی با زن وی زنا می‌کند و بتواند زنا را از راه اقامه چهار شاهد عادل یا تصدیق اولیای دم و یا علم قاضی اثبات نماید، چنانچه مرتکب قتل یکی از آن‌ها یا هر دو شود، قصاص نمی‌شود و مکلف به پرداخت دیه هم نیست. (کرمی، ۱۳۷۷: ۲۱۷).

با توجه به این رویه، قانون‌گذار در تصویب قانون تعزیرات، مجدداً جواز قتل در فراش را در ماده ۶۳۰ و پس از آن در بند «ث»، ماده ۳۰۲ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ به شرح ذیل تصویب نموده است: این ماده از جهت فقهی و حقوقی قابل ایراد است. از نظر فقهی همان‌گونه که ذکر شد نهایت چیزی که از روایات استفاده می‌شود، عدم قصاص زوج در صورت کشتن زانی متجاوز است که در فراش او وارد شده و اقامه دلیل برای جواز قتل به عنوان حکمی تکلیفی مشکل است و در خصوص قتل زوجه هیچ‌گونه مستند فقهی معتبری نداریم و حدیث مرسله مذکور در کتاب دروس شهید اول گذشته از ضعف سند توسط خود شهید هم به صورت مطلق مورد استناد قرار نگرفته است و از طرف دیگر اصولاً مساله جواز قتل در فراش در کتب قدما اصحاب - که به عهد معصومین (علیه السلام) نزدیک‌ترند - وجود ندارد. اولین کسی که این موضوع را مطرح کرده شیخ طوسی در کتاب مبسوط است و ایشان برای جواز قتل، احصان زانی اجنبی و زوجه را لازم دانسته و ذکر جواز قتل به صورت مطلق در کتب فقهای متأخر، نمی‌تواند مستند محکمی جهت بیان حکمی خلاف اصل و

احتیاط باشد. از نظر حقوقی نیز عبارت ماده به گونه‌ای تنظیم شده که جرم زا بوده و امنیت قضایی را سلب و نوعی آدم کشی در لوای قانون و بدون امکان دفاع برای متهمین را ترغیب و تشویق می‌کند. (میر محمد صادقی، ۱۳۹۲: ۳۳۸) این ماده می‌تواند مورد سوء استفاده قاتلین حرفه‌ای قرار گیرد و قتل‌هایی که با انگیزه‌های انتقام جویانه انجام شده، تحت عنوان قتل در فراش مطرح گردد. به طور مثال در مواردی شوهر با سبق تصمیم و با تهیه مقدمات، فردی را که مظنون به داشتن رابطه نامشروع با همسرش بوده به منزل دعوت و اقدام به قتل نموده و در موردی دیگری شخصی را در جای دیگر به قتل رسانده و بعد او را به اتاق خواب خودش منتقل نموده و همسرش را هم به اقرار به زنا مجبور نموده است و در این موارد در صورت عدم کشف واقعیت، چنانچه نتواند زنا را هم با چهار شاهد اثبات کند، می‌تواند با استناد ماده ۳۰۳ ق.م.ا. مصوب ۱۳۹۲ با مطرح کردن اعتقاد به مهدور الدم بودن مقتول، از مجازات قصاص رهایی یابد. درحالی‌که قانون باید به گونه‌ای تنظیم شود که جرم زایی نداشته و امکان تقلب نسبت به آن وجود نداشته باشد. بنابراین پیشنهاد می‌شود چنانچه قانون‌گذار وجود این ماده را در قوانین کیفری ضروری می‌بیند. اقدام به قتل در این موارد از ناحیه زوج را، عذری مخفف قرار داده و با اصلاح عبارت ماده، راه را بر استفاده جواز قتل به عنوان حکمی تکلیفی مسدود نموده جواز قتل را مختص به زانی قرار دهد، آن هم در صورتی‌که زنا توسط ادله‌ی معتبر شرعی و قانونی ثابت شود. (کلانتری، ۱۳۹۵)

آنچه در این مقاله شرح و تحلیل گردید، این است که قانونگذار علی‌رغم انتقادات فراوانی که پیرامون وضع ماده ۶۳۰ قانون مجازات اسلامی بخش تعزیرات توسط حقوقدانان صورت گرفته است، مجدداً بند «ث» ماده ۳۰۲ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ را در همان ماهیت با اندک تغییرات جزئی آورده است و همچنان راه را برای انتقام‌ها و کینه‌های خصوصی عدالت کیفری خصوصی باز گذاشته است.

۱۰- نتیجه‌گیری

موضوع جواز ارتکاب قتل زانی و زانیه توسط همسر زانیه و عدم مجازات وی از موضوعاتی است که بحث از آن حتی در قدیمی‌ترین تمدن‌ها از جمله آشوری‌ها، یونانی‌ها، امپراتوری ژاپن و رم مطرح بوده است. در ایران نیز نخستین متن قانونی در این موضوع در سال ۱۳۰۴ در ماده‌ی ۱۷۹ قانون مجازات عمومی پیش‌بینی شد و دایره‌ی این ماده حتی شامل پدر و برادر در صورت مشاهده‌ی زنا توسط دختر یا خواهر و جواز قتل یا جرح آنها می‌شد. پس از پیروزی انقلاب اسلامی مفاد این ماده در قوانین مجازات اسلامی مصوب ۱۳۶۲ و ۱۳۷۰ ذکر نشده ولی دوباره در قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۵ و نیز قانون جدید مصوب ۱۳۹۲ علیرغم آنکه حقوقدانان با بررسی و مطالعه مبانی فقهی و میزان تاثیر آنها بر قتل‌های ناموسی به کرات لزوم تغییر و یا حذف آنها را متذکر شده‌اند. اما با تمام این تلاش‌ها و مطالعات، مواد مذکور یا بدون تغییر و به قوت خود باقی مانده‌اند یا با اندکی تغییر در ظاهر بدون تغییری مناسب در راستای کم رنگ کردن اثرات منفی این مواد، مورد تایید قرار گرفت.

پس می‌توان گفت با توجه به اینکه بستر بروز قتل‌های ناموسی از لحاظ فرهنگی و سنن و آداب و رسوم در جامعه ما فراهم است صلاح بر آن است، قوانینی از این دسته که تجویز کننده قتل‌های ناموسی هستند با دقت و حساسیت بیشتری از سوی قانونگذار مورد بازبینی قرار گیرند.

در این پژوهش، به بررسی تحلیلی-انتقادی موضوع جواز قتل در فراش؛ تاکید دوباره در قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ در راستای مهدور الدم و اختلاف نظر بین فقها مبنی بر جواز قتل هر دو نفر- زوجه و زانی- توسط شوهر تا ممنوعیت قتل به طور مطلق پرداختیم.

البته قانونگذار در قانون جدید برای اقدام خودسرانه و بدون اجازه دادگاه و نیز اقدام براساس اعتقاد اشتباه مجازات تعزیری قرار داده است، اما از آنجا که در بسیاری از موارد مرتکبین قتل‌های ناموسی به استناد این حکم خود را محق در ارتکاب به این جنایت می‌دانند به نظر می‌رسد که باید از عمومیت حکم فوق کاسته شود و بر میزان مجازات اقدام خودسرانه در این موارد افزوده شود.

منابع

- قرآن کریم.
- اصفهانی، حسین بن محمد راغب. (۱۴۱۲ق). مفردات الفاظ القرآن. دار العلم - الدار الشامیه: بیروت.
- اصفهانی، محمد بن حسن، (فاضل هندی). (۱۴۱۶ق). کشف اللثام و الإبهام عن قواعد الأحكام، ج ۱۰، مؤسسه النشر الاسلامی: قم.
- جزیری، عبدالرحمن. (۱۴۰۶ق). الفقه علی المذهب الاربعه. جلد ۵. انتشارات دارالفکر.
- حائری شاهباغ، علی. (۱۳۵۳ش). شرح قانون مجازات عمومی. مؤسسه مطبوعاتی آرش: فومن.
- حبیب زاده، دکتر محمد جعفر. (۱۳۸۰ش). قتل در فراش. مجله حقوق دادگستری. شماره ۳۴.
- حر عاملی، محمد بن حسن. (۱۴۰۱ق). وسائل الشیعه. ج ۱۹. چاپ پنجم. دارالاسلامیه: تهران.
- حلبی، ابو الصلاح. (۱۴۰۳ق). الکافی فی الفقه. مکتبه امیرالمؤمنین (ع): اصفهان.
- حلبی، ابن ادريس، (۱۴۱۰ق). السرائر الحاوی لتحریر الفتاوی، ج ۳، ۲، مؤسسه النشر الاسلامی: قم.
- حلّی، علامه، حسن بن یوسف بن مطهر اسد، (۱۴۱۰ق). إرشاد الأذهان إلی - أحكام الإیمان، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
- خراسانی، علی محمدی. (بی تا). شرح تبصره المتعلمین.
- خمینی (امام)، سید روح الله. (۱۴۰۳ق). تحریر الوسيله. ج ۱ و ۲. چ ۴. مکتبه اعتماد: قم.
- خویی، ابوالقاسم. (بی تا). مبانی تکملة المنهاج. چاپ دوم. مطبعة الآداب: نجف.
- زکی ابوعامر، محمد، (بی تا). القانون الجنائي، الدار الجامعیه: قاهره.
- شهید اول، محمد بن جمال الدین. (۱۴۰۶ق). کتاب الدروس. چاپ دوم. انتشارات صادقی: قم.

۱۸. تحقیقات حقوقی تطبیقی ایران و بین‌الملل، سال دوازدهم، شماره چهل و چهارم، تابستان ۱۳۹۸
- شهید ثانی، زین‌الدین. (بی تا). *الروضه البهیة*. ج ۹. داراحیاء التراث العربی: بیروت.
- شهید صدر، سید محمد، (۱۴۲۰ق). *ماوراء الفقه، دار الأضواء للطباعة و النشر و التوزیع: بیروت*.
- طوسی، محمد بن علی بن حمزه. (۱۴۰۸ق). *الوسیله إلى نیل الفضیله*. مکتبه آیه الله المرعشی: قم.
- عاملی، حرّ، محمد بن حسن، (۱۴۰۹ق). *وسائل الشیعه*، ج ۲۹. مؤسسه آل‌ال‌بیت علیهم السلام: قم.
- عباس‌زاده اهری، حسن. (۱۳۷۸ش). *قوانین جزائی و قضایی در اسلام*. نشر آیدین: تبریز.
- عوده، عبدالقادر. (۱۹۹۳م). *التشريع الجنایی الاسلامی، جلد اول، چاپ دوازدهم*. انتشارات مؤسسه رسالت: بیروت.
- قرشی، سید علی اکبر. (۱۴۱۲ق). *قاموس قرآن، چاپ ششم، دار الکتب الاسلامیة: تهران*.
- کاظمی سرکانه. (۱۳۸۹ش). *قتل‌های ناموسی و چالش‌های فراروی آن، سال ششم، شماره بیست و یک*. فصلنامه تخصصی فقه و مبانی حقوق اسلامی.
- کرمی، محمد باقر، (۱۳۷۷ش). *مجموعه استفتائات فقهی و نظرات حقوقی راجع به قتل*. انتشارات فردوسی: تهران.
- کلانتری، کیومرث. (۱۳۹۵ش). *تقریرات حقوق جزای اختصاصی (۱)*. مقطع دکتری دانشگاه آزاد اسلامی واحد گرگان.
- گلدوزیان، ایرج. (۱۳۹۳ش). *محشای قانون مجازات اسلامی*. انتشارات مجد: تهران.
- گیلانی شفتی، سید محمدباقر. (۱۴۲۷ق). *فی تحقیق اقامه الحدود فی هذه الأعصار، انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم*.
- محمدی، محمدرضا. (۱۳۸۹ش). *شرایط آثار و احکام قتل در فراش*. سال اول. شماره دوم. فصلنامه تخصصی پژوهش‌نامه فقهی.
- منتظری، حسینعلی. (بی تا). *الحدود*. ج ۱. چاپ دوم، قم، انتشارات دارالفکر: قم.

جواز قتل در فراش؛ تاکید دوباره در قانون مجازات اسلامی ۱۹

- مهرپور، حسین. (۱۳۷۵ش). سیری در مبانی فقهی و حقوقی ماده ۳۶۰ قانون مجازات اسلامی. شماره هشتم. مجله مفید.
- میر محمد صادقی، دکتر حسین. (۱۳۹۲ش). حقوق کیفری اختصاصی (جرائم علیه اشخاص)، جلد اول. چاپ سیزدهم. انتشارات میزان: تهران.
- نجیب حسنی، محمود. (۱۹۹۲ق). شرح قانون العقوبات (القسم الخاص)، چاپ دوم. دارالنهضة العربیة: قاهره.
- نجفی، محمد حسن. (۱۴۰۴ق). جواهر الکلام فی شرح شرائع الاسلام، دارالأحیاء التراث العربی: بیروت.